

(۴)

این طرحها محکوم بشکست است!

دلائل قطعی و شواهد زنده‌ای وجود دارد که ثابت میکند متأسفانه در جهان حاضر، طرح‌هایی مانند «حکومت متحده جهانی»، محکوم بشکست قطعی است. مادر این مقاله نمونه‌هایی از موانع مهمی که بر سر راه عملی شدن اینگونه طرح‌ها در شرایط فعلی جهان وجود دارد بررسی میکنیم.

اوضاع و حوادث نیمه اول قرن بیستم تجربه‌های تلخی بآنانها آموخته است، همانطور که جامعه ملل شکست خورد، همانطور که ناتوانی وضعف سازمان ملل از برقرار نمودن قطعی صلح و وحدت جهانی آشکار شده اوضاع جهان حاضر نشان میدهد که «طرح حکومت متحده جهانی»، همانند آنچه در شرایط فعلی متأسفانه محکوم بشکست است.

سر نوشتی که جامعه ملل بدان دچار شد و مشکلاتی که سازمان ملل با آن مواجه است ثابت نموده که تار و حیه استعمار و برتری طلبی و منفعت جوئی هر چه بیشتر، بر ملت‌های بزرگ جهان حکومت میکند مقررات خشک و بیجان و یک سلسله سازمان‌های جهانی توانائی تأمین وحدت جهانی را نخواهند داشت.

متأسفانه در شرایط فعلی بوجود آمدن «حکومت متحده جهانی»، بمعنی واقعی خود و بدون اینکه سرپوشی برای هدف‌های توسعه طلبانه باشد بیشتر بیک رؤیای شیرین میماند تا یک واقعیت! اگر فرضاً حکومت متحده جهانی روزی تأسیس شد آیا با گذشت مدت کوتاهی این حکومت ظاهر آ جهانی هم مانند دو سازمان جهانی گذشته و حاضر، عاقبت بصورت یک سازمان حافظ منافع دول بزرگ تغییر ماهیت نخواهد داد؟! آیدر ائرهاها و قدرت طلبیهای ملت‌های نیرومند بزودی از هدف اصلی منحرف نخواهد گشت و پاشیرازه آن بکلی از هم پاشیده نخواهد شد؟!!

دلائل و شواهد زنده‌ای وجود دارد که ثابت میکند تا در جهان ما یک رستاخیز اخلاقی عمیق و دامنه دار آغاز نگردد، تاسیمای دنیای کنونی از مکر و خدعه و فریب و تجاوز، به احترام واقعی بحقوق انسانها و عدالت و قانون مبدل نشود طرح‌هایی مانند آنچه گفته

شد قطعاً محکوم بشکست است؛ باید پاره‌ای از سیاست‌های بین‌المللی کنونی که ماسک فریبنده‌ای چون مذاکرات مؤدبانه دیپلماتی بر آن زده‌اند ولی قیافه واقعی آن چیزی جز غلبه قوی بر ضعیف و تحت فشار قرار دادن ملت‌های توسعه نیافته نیست از میان برود تا تفاهم ملت‌ها در کنار یکدیگر بصورت واقعی عملی گردد.

امروز نوع دوستی که شرط اصلی هر گونه همزیستی مسالمت آمیز است کاملاً در میان ملت‌ها ضعیف شده است هیچ ملتی حاضر نیست از منافع خود حتی در مواردیکه يك مسئله حیاتی برای ملت دیگر مطرح است کمترین صرف نظری بکند!

آری نوع دوستی بشر قرن بیستم آنچنان ضعیف شده که میگویند گاهی در کشورهای باصطلاح توسعه یافته و ثروتمند جهان مازاد تولید را آتش میزنند و خاکستر میکنند تا در اثر (بهم خوردن موازنه عرضه و تقاضا در بازارهای بین‌المللی) با اقتصاد ملی لطمه‌ای وارد نشود اما در گوشه دیگر همین جهان ده‌ها هزار نفر اسیر چنگال دشمن سرسخت گرسنگی هستند و پی در پی جان خود را از دست میدهند مطابق آماریکه چندی قبل از طرف سازمان ملل منتشر شد هر روز ده‌هزار نفر در سراسر جهان از گرسنگی میمیرند، اینها باغوش مرگ سیاه میروند و ملت‌های باصطلاح توسعه یافته ثروتهای زیادی خود را آتش میزنند!

مسئله تسلیحات وحشت آور و روز افزون قرن بیستم یکی دیگر از شواهد زنده شکست طرح‌های مذکور است.

پس از جنگ جهانی دوم تسلیحات دولتهای نیرومند وضع خطرناک و انفجار آمیزی برای جهان بوجود آورده است بارها مسئله خلع سلاح در محافل جهانی با سروصدای فراوان مطرح شده و حتی کمیسیون‌های دائمی مشغول مطالعه و تحقیق در امکانات عملی شدن اینکار است ولی علی‌رغم این گفتگوها و مذاکره‌ها هر روز وضع تسلیحات بصورت خطرناکتری بخود میگیرد و این کمیسیونها کمترین اثری در این اوضاع نمی‌بخشد درحالیکه بر همه مسلم شده که قدم اول برای تأسیس هر گونه حکومت جهانی مسئله خلع سلاح است.

در آمار دقیق و حساب شده‌ای چنین میخوانیم:

و طبق حسابی که شده در نیمه اول قرن بیستم دنیا بیش از چهار میلیارد دلار خرج تسلیحات و جنگ کرده است.

يك محاسبه نشان میدهد که با همین پول امکان داشت (طی پنجاه سال) تمامی افراد روی زمین مجاناً غذاداد و برای پانصد میلیون خانواده یعنی دو نلک جمعیت جهان خانه‌های راحت ساخت.

از يك طرف درد نیائی زندگی می‌کنیم که دو نلک مردم آن هنوز با مشکل گرسنگی یا کمبود

غذائی روبرو هستند و هنوز بیسوادند ...

در چنین دنیائی است که سالیانه صد و بیست میلیارد دلار خرج مصارف نظامی میشود و بمبارت دیگر هر شبانه روزی که میکردد در حدود سیصد و پنجاه ملیون دلار یا بیول خودمان دو میلیارد و هشتصد ملیون تومان از دسترنج بشر خرج مصارف تخریبی میگردد این مبلغ بتصدیق بزرگترین متخصصین اقتصادی جهان معادل دوثلث عایدی ملی کشورهای در حال رشد است این رقم معادل ارزش تمامی کالاهای صادراتی جهان در سال است ، این رقم نصف جمع کل سرمایه - هائی است که همه ساله در جهان تشکیل میشود (۱)

در گزارش دیگری چنین میخوانیم :

« تا کنون آمریکائیها تنها برای «ضدموشکهای دارای کلاهک اتمی» ۹۴ میلیارد تومان خرج کرده اند و برای تکمیل این سیستم دفاعی که جان پنجاه در صد آمریکائیها را در یک جنگ اتمی نجات میدهد باید دو بیست میلیارد تومان خرج کرد (۲)

این توسعه تسلیحاتی منحصر به بلوک غرب نیست ، بلوک شرق هم بشدت وسرعت مشغول توسعه زرادخانه های تسلیحاتی و اتمی خویش است ، در حالیکه فریاد نگرانی واضطراب عمومی جهانیان از توسعه تسلیحات با آسمان بلند است ، در حالیکه مسابقه تسلیحاتی محور اقتصاد را از یک اقتصاد سالم بمنظور بهبود بخشیدن بزندگی انسانها ، بیک اقتصاد نظامی تبدیل کرده و سراسر جهان مانند باروت در کنار آتش هر لحظه در خطر انفجار است. در جرائد چنین میخوانیم :

« موشکهای جدید شوروی طبق خبرگزاری تاس ، صبح دیروز در رژه میدان سرخ مسکو به عرض نمایش گذاشته شد وزیر دفاع شوروی در این رژه اعلام کرد :

اگر تجاوز به شوروی و کشورهای سوسیالیستی صورت گیرد ارتش شوروی بکمک قدرت موشکی خود آنچنان ضربه ای بتجاوزکار وارد میسازد که دفاع برای او غیر ممکن باشد نخست - وزیر سابق شوروی یک ماه قبل از سقوط حکومتش گفته بود ، شوروی دارای موشکهای جهان پیمان است ، در برابر این موشکها دفاع ممکن نیست زیرا رادارهای نگهبان قادر نیستند مراکز دفاعی دشمن را از حرکت آنها آگاه سازند. بیانات نخست وزیر سابق همان زمان کارشنا - سان نظامی غرب را متوجه مسائل تازه ای کرد و در آنها نگرانی بوجود آورده (۳)

این مسابقه تسلیحاتی هولناک که بر جهان ماحکومت میکند سد مانع بزرگی در راه وحدت جهانی است ، اقتصاد بعضی از کشورهای بزرگ اقتصاد نظامی شده آنها چگونه حاضر میشوند از توسعه تسلیحات بردارند !

(۱) مجله تحقیقات اقتصادی بنقل خواننده شماره ۸۸ سال ۲۳ .

(۲) روزنامه اطلاعات شماره ۱۱۹۰۴ از منابع کاندید - دیلی اکسپرس - اورور

(۳) روزنامه اطلاعات شماره ۱۱۹۰۴

آبادستهاییکه این مسابقه‌های تسلیحاتی را اداره میکنند اجازه خواهند دادخلع سلاح عملی شود و جهان بطرف حکومت واحد جهانی سیر کند ؟ آیا این دستها گرچه بقیمت جان ملیونها بشر تمام شود با برقراری صلح و وحدت و یگانگی ! سرسختانه مخالفت نخواهند کرد ؟ از طرف دیگر وحدت جهانی درك این واقعیت را لازم دارد که تمام افراد بشر از سیاه و سفید، سرخ و زرد همه انسانند و رنگ و پوست نه برای کسی گناه شمرده میشود و نه برای کسی سبب امتیاز میگردد، در حالیکه هنوز فکر تبعیضات نژادی بشدت بر کشورهای متمدن حکومت میکند، آری عده‌ای شعار «حکومت متحده جهانی» را بدست گرفته در این نقطه و آن نقطه دنیا کنگره تشکیل میدهند ولی با کمال تأسف در میان متمدن ترین ملتها با ملیونها بشر تنها بجرم اینکه رنگ پوستشان سیاه است بوحشیا نه ترین صورت رفتار میشود ! بدون اینکه اخبار مربوط به وضع تنگین تبعیضات نژادی را در میان این ملتها مشروحاً بیان کنیم بخبر تکان دهنده‌ای که در همین شماره (بخش بررسی مطبوعات) آورده ایم اشاره‌ای میکنیم و میگذریم :

در ۶۰ سال اخیر سالیان در حدود ۱۲۰ نفر سیاه پوست بر اساس سنت ننگینی بنام لینچ در آمریکا کشته شده‌اند لینچ نوعی کشتار سیاهان است که در پناه سنن و مقررات غلط تقویت میشود

سیاهپوستان آمریکا اغلب در محلات پست و نامناسبی زندگی میکنند و از اصول ابتدائی بهداشت محیط زندگی محرومند ...

هر کودک سیاهپوستی که امروزه در آمریکا متولد میشود نصف يك كودك سفید پوست شانس ورود بدبیرستان را دارد ، يك سوم این شانس را دارد که بدانشگاه راه یابد و يك سوم این موفقیت را دارد که متخصص فنی شود در حالیکه دو برابر شانس دارد که بیکار بماند ! (نقل از گزارش جان اف کندی رئیس جمهور فقید آمریکا بکنگره آمریکا در سال ۱۹۶۳).

سیاهان از حق رأی ، تهیه محل سکونی ، آزادی در رستوران ! مغازه ، کافه و خلاصه همه شئون زندگی محرومند ... (۱)

مسئله سیاستهای غلط ، توسعه ووز افزون مسابقات تسلیحاتی و اقتصادهای نظامی که بوجود آمده ، افکاری مانند تبعیضات نژادی ضعف شدید حسن نوع دوستی در میان ملتها همچنان پراکندگی و تشتت را بر جهان کنونی حکم فرما ساخته که تشکیل شدن يك حکومت جهانی بمعنی واقعی بيك رؤیاشبیه تراست تا بيك واقعیت . بامشاهده این اوضاع باردیگر متوجه این حقیقت می شویم که هر گونه تحول بنیادی باید از افکار و عقاید و اخلاق و سنن و بالاخره آنچه بنام فرهنگ جامعه نامیده میشود آغاز گردد و بهمین جهت تحول جهان بسوی يك حکومت جهانی تغییرات اساسی در فرهنگ ملتهاى جهان را لازم دارد و بالاخره باید گفت حکومت جهانی گرچه از افکار سیاسی بسیار نیرومندترن سیستم است ولی عملی شدن آن از راه طرح‌هایی که داده می شود موانع بزرگی بر سر راه دارد .